

خشت اول



مسیر تمدن از پیچ و خم زندگی

یکی از ابعاد پیشرفت با مفهوم اسلامی عبارت است از سبک زندگی کردن، رفتار اجتماعی، شیوه زیستن و… با اگر از منظر معنویت نگاه کنیم – که هدف انسان، رستگاری و فلاح و نجات است – باید به سبک زندگی اهمیت دهیم؛ اگر به معنویت و رستگاری معنوی اعتقادی هم نداشته باشیم، برای زندگی راحت، زندگی برخوردار از امنیت روانی و اخلاقی، بر باز داشتن به سبک زندگی مهم است.

■ **ما اگر پیشرفت همه جانبه را به معنای تمدن سازی نوین اسلامی بگیریم؛ این تمدن نوین دو بخش دارد؛ یک بخش ابزارزی است؛ یک بخش دیگر، بخش متنی و اصلی و اساسی است. به هر دو بخش باید رسید .**

آن بخش ابزارزی عبارت است از همین ارزش هایی که ما امروز به عنوان پیشرفت کشور مطرح می کنیم: علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین المللی، تبلیغ و ابزارهای تبلیغ؛ اینها همه بخش ابزارزی تمدن است؛ وسیله است. .در بخش ابزارزی، علی رغم فشارها و تهدیدها و تحریم ها و این چیزها، پیشرفت کشور خوب بوده است .

■ **اما بخش متنی که بخش حقیقی و اصلی تمدن است؛ مثل مسئله خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، نوع خوراک، نوع آشپزی، تفریحات، سلامت، مسئله زان، مسئله کسب و کار، رفتار ما در محل کار، رفتار ما در دانشگاه، رفتار ما در مدرسه، رفتار ما در فعالیت سیاسی، رفتار ما در ورزش، رفتار ما در رسانه ای که در اختیار ماست، رفتار ما با پدر و مادر، رفتار ما با همسر، رفتار ما با فرزند، رفتار ما با رئیس، رفتار ما با مروت، رفتار ما با پلیس، رفتار ما با مامور دولت، سفرهای ما، نظافت و طهارت ما، رفتار ما با دوست، رفتار ما با دشمن، رفتار ما با بیگانه؛ اینها آن بخش های اصلی تمدن است، که متن زندگی انسان است . .در انقلاب، در این بخش، پیشرفت ما چشمگیر نیست؛ در این زمینه، ما مثل بخش اول حرکت نکردیم، پیشرفت نکردیم.**

■ **نمی شود یک تمدن را به صرف اینکه ماشین دارد، صنعت دارد، ثروت دارد، قضاوت کرد و تحسین کرد؛ در حالی که در داخل آن، مشکلات فراوان، سراسر جامعه و زندگی مردم را فرا گرفته. اصل اینهاست؛ آنها ابزارزی است برای اینکه این بخش تأمین شود، تا مردم احساس آسایش و خشنودگی پیدا کنند. با امید زندگی، با امید زندگی، پیش بروند، حرکت کنند، تعالی انسانی مطلوب زندگی.**

■ **رفتار اجتماعی و سبک زندگی، تابع تفسیر ما از زندگی است؛ هدف زندگی چیست؟ هر زندگی که ما برای زندگی معین کنیم، برای خودمان تربیه کنیم، به طور طبیعی، متناسب با سبک سبک زندگی به ما پیشنهاد می شود. یک نقطه اصلی وجود دارد و آن، ایمان است. یک هدفی را باید تربیت کنیم – به زندگی را – به این ایمان پیدا کنیم بدون ایمان، پیشرفت در این بخش ما امکان ندارد. کار درست انجام نمی گیرد. حالا آن چیزی که به آن ایمان داریم، می تواند لبرالیسم باشد، می تواند کاپیتالیسم باشد، می تواند کمونیسم باشد، می تواند فاشیسم باشد، می تواند همه توحید ناب باشد؛ بالاخره به یک چیزی باید ایمان داشت، اعتقاد داشت، به دنبال این است؛ نه اینکه با عقاید پیش رفت. مسئله ایمان، مهم است. ایمان به یک اصل، ایمان به یک لنگرگاه اصلی اعتقاد؛ یک چنین ایمانی باید وجود داشته باشد. بر اساس این ایمان، سبک زندگی انتخاب خواهد شد .**

■ **برای ساختن این بخش از تمدن نوین اسلامی، به شدت باید از تقلید برهیز کنیم؛ تقلید از آن کسانی که سعی دارند روشهای زندگی و سبک زندگی را تقلید از ما ملت ها تحمیل کنند. امروز مظهر کامل و تنهایی مظهر این زور نوین است. تحمیل، تحمیل تمدن غربی است. نه اینکه ما تنها دشمنی با غرب و ستیزه گری با غرب داشته باشیم – این حرف، ناشی از برزسی است – ستیزه گری و دشمنی احساساتی نیست، بعضی بمجرد اینکه اسم غرب و تمدن غرب و شیوه های غرب و طولته غرب و دشمنی غرب می آید، محل می کنند بر غرب ستیزی؛ اقا، شماها با غرب دشمنید. نه، ما با غرب پدر کشتگی آنچنانی نداریم…**

■ **تقلید از غرب برای کشورهای که این تقلید را برای خودشان روا دانستند و عمل کردند، جز ضرر و فایده به بار نیاورده؛ حتی آن کشورهای که به ظاهر به صنعتی و اختراعی و ثروتی هم رسیدند، اما مقلد بودند. علت این است که فرهنگ غرب، یک فرهنگ مهاجم است. فرهنگ غرب، فرهنگ نابودکننده فرهنگ هاست. هرجا غربی ها وارد شدند، فرهنگ های بومی را نابود کردند، بنیانهای اساسی اجتماعی را از بین بردند؛ تا آنجایی که نتوانستند، تاریخ ملتها را تغییر دادند، زبان آنها را تغییر دادند، خط آنها را تغییر دادند. هر جا انگلیس ها وارد شدند، زبان مردم بومی را تبدیل کردند به انگلیسی؛ اگر زبان رقیبی وجود داشت، آن را از بین برند .**

■ **یکی از خصوصیات فرهنگ غربی، عادی سازی گناه است؛ گناه های جنسی را عادی می کنند. امروز این وضعیت در خود غرب به فضاخت کشیده شده؛ اول در انگلیس، بعد هم در بعضی از کشورهای دیگر و آمریکا. این گناه بزرگ همجنس بازی شده یک ارزش! به قافان سیاستمدار اعتراض می کنند که چرا او با همجنس بازی مخالف است…**

■ **من سالها پیش – در دهه ی ۳۰ و ۴۰ – در منطقه ی جنوب خراسان، بزرگان و افراد صاحب فکر و پیرمردهائی را دیدم که یادشان بود که انگلیسی ها چگونه تریاک را با شیوه های مخصوصی در بین مردم سازی می کردند؛ والا مردم تریاک کشنیدن بلد نبودند؛ این چیزها وجود نداشت. این افراد یادشان بود، سرراغ می دادند و خصوصیاتش را می گفتند. با همین روش ها بود که مواد مخدر به تدریج در داخل کشور توسعه پیدا کرد…**

■ **فرهنگ غربی فقط هوایما و وسائل آسایش زندگی و وسائل سرعت و سهولت نیست؛ اینها ظواهر فرهنگ غربی است، که تعیین کننده نیست؛ باطن فرهنگ غربی عبارت است از همان سبک زندگی مادی**

■ **شهود آلوده گناه اود هویت زدا و ضد معنویت و دشمن معنویت. شرط رسیدن به تمدن اسلامی نوین در درجه اول این است که از تقلید غربی برهیز شود. ما متأسفانه در طول سالهای متمادی، یک چیزهائی را عادت کرده ایم تقلید کنیم .**

■ **بندظرفدار این نیستم که حالا در مورد لباس، در مورد مسکن، در مورد سایر چیزها، یکبارِه یک حرکت جمعی و عمومی انجام بگیرد؛ نه، این کارها باید تدریج انجام بگیرد؛ دستوری هم نیست؛ اینها فرهنگ سازی لازم دارد. همان طور که گفتم، کار خنیکان است، کار فرهنگ سازان است.**

■ **و شما جوان ها باید خودتان را برای این آماده کنید:**

■ **این، رسالت اصلی است.**

■ **بندظرفدار این نیستم که حالا در مورد لباس، در مورد مسکن، در مورد سایر چیزها، یکبارِه یک حرکت جمعی و عمومی انجام بگیرد؛ نه، این کارها باید تدریج انجام بگیرد؛ دستوری هم نیست؛ اینها فرهنگ سازی لازم دارد. همان طور که گفتم، کار خنیکان است، کار فرهنگ سازان است.**

■ **و شما جوان ها باید خودتان را برای این آماده کنید:**

■ **این، رسالت اصلی است.**

■ **ستون های نسل سوم را شما بنویسید؛ داستان، شعر، یادداشت، گزارش و…**

■ **هشدار در همین ابتدای کار!**

■ **هر عزیمتی و هر تغییری و هر تحولی با دو مسیر انحرافی سروکار دارد؛ افراط و تفریط. یا به عبارت دیگر، مخالف صددرصد و موافق بی هدف. عده ای از هم اکنون «سبک زندگی» را منطبق با فرهنگ ایران برداشت می کنند و عده ای منطبق بر آموزه های اسلامی که در واقع سبک زندگی ایرانی در جمهوری اسلامی مانند خود نوع حکومت، ترکیبی از هر دو آن هاست. این یک اشتباه فاحش است که فرهنگ ایرانی را بدون اسلام مرور کنیم و اسلام را منهای ایران امروز در جهان معرفی نماییم. ایران و اسلام امروز در هم تنیده شده اند**

■ **و سبک زندگی مطلوب در جمهوری اسلامی باید برداشتی از این واقعیت باشد. ضمن اینکه آموزه های اسلامی بسیاری از آموزه های مثبت ایرانی از هم شامل می شود. یکی از مسیرهای انحرافی برای تأخیر در تعمیر سبک زندگی همین دعوای ایرانی – اسلامی است. مسیر مردم غربی صددرصدی به فرهنگ سبک زندگی در ایران است. سبک زندگی در ایران مطمئنا با سبک زندگی در هر کشور دیگری متفاوت است و بخشی نمی ماند برای اینکه تأکید کنیم که سبک زندگی باید به شکل بومی ارائه شود تا پذیرفته و اجرا شود. تکرر غلطی که مسیر تمدن سازی ما از جاده غروب و یا ششرق می گذرد، هرگز ما را به مقصد نمی رساند، ما برای رسیدن، می توانیم از مسیرهای موجود آنها استفاده کنیم اما باید خط ویژه خودمان را داشته باشیم. غرب تا ۳ هزار سال دیگر هم مفهوم «سفره» و برکت سفره را درک نخواهد کرد حتی اگر محققان برجسته اش بر تاثیر در کنار هم غذا خوردن یک خانواده تأکید کنند. از این دست ناهنجی ها و نقطه کورها در سبک زندگی غربی زیاد است اگرچه نکات مثبت فراوانی هم در فرهنگ زندگی آنها دیده می شود که باید بعد از بومی سازی وارد زندگی ما شوند نه اینکه اول آپارتمان نشینی در کشور رشد کند و بعد کم کم بیینیم مجتمع هایی بدون امنیت یا حتی کسی کاری دانش باشیم**

■ **بریزیم…یادماند باشد که اسلام برای کودکان ناهن ناخن های دست و پا هم برنامه دارد و هیچ نیوده است؛ حالا و بعد از گذشته قرون ها زندگی ما می فهمند که فلسفه برخی دستورات اسلام چه بوده است. مثل سفوفت شانه زدن موها یا چوب عاج و شمشست آب خوردن در شب و عدم استفاده طلا برای مردان و…**

■ **لطفا بعضی ها بی خیال شوند**
همواره بعد از بیان مطالبات جدید رهبری، برخی سازمان ها، نهادها و حتی برخی نگاه های خصوصی خیلی زود دست به کار می شوند. در واقع بدون طراحی نقشه، برآوردها و عملکردها، یکراست می روند سراغ ساخت و ساز! این عده که به «سری دوزهای کاسب و یا تخریب کنندگان مضامین جدید، مشهورند، همیشه می خواهند اولین باشند برای همین خیلی از ایده های خوب را در کمترین

گزارش ۳

■ **چه خبر از پنجمین جشنواره ملی فیلم دانشجویی سعید موسوی – هر حرکت و جریانی وقتی با نام دانشجویی پیوند می خورد سرشار از شور و هیجان می شود حالا اگر این حرکت و این جریان مقوله ای به نام فیلم باشد حس و حال آن به مراتب متفاوت تر خواهد بود. پنجمین دوره از جشنواره ملی فیلم های دانشجویی هفتم تا دهم آبان ماه در پردیس سینمایی ملت و دانشکده صدا و سیما برگزار می شود تا شاهد حضور تازه ترین نسل فیلمساز آینده باشیم. نکته متمایز در این دوره از جشنواره، نمایش آثار جشنواره همزمان در ایران و چهار کشور عراق، فلسطین (غزه)، لبنان، و تونس است. بخش بین الملل با موضوع بیداری اسلامی و مقاومت به عنوان بخش ویژه جشنواره در دوره پنجم افزوده شده وعلاوه بر این بخش های ملی شامل داستانی، مستند، فیلمنامه، عکاسی، پویانمایی میزبان آثار دانشجویی است.**

■ **برگزاری کارگاه های آموزشی با حضور اساتید مجرب در حوزه های تخصصی نیز از فعالیت های جانبی جشنواره پنجم فیلم دانشجویی به شمار می آید. در بخش فیلمنامه ۲۲۷، عکاسی ۷۵، مستند ۲۰۱، داستانی ۳۴۹، انیمیشن ۶۲ و ۳۰ اثر ویدئوگرافیک به جشنواره ارسال شده در حالی که ۷۲ اثر در بخش بین الملل به رقابت می پردازند.**

■ **همزمان با برپایی جشنواره پنجم فیلم های دانشجویی تعدادی کارگاه آموزشی درک شاپ) برای آشنایی بیشتر دانشجویان سراسر کشور در بخش های بازیگری در تلویزیون، زیبا سازی صدا و تصویر، تکنولوژی های عرصه نور، مستند، فیلمنامه نویسی، کارگردانی فیلم های کوتاه برگزار می شود. لی نتشنستی که دبیر جشنواره محمود اربابی با نمایندگی های شبکه های مختلف تلویزیونی داشت؛ مشخص شد بخشی از آثار برگزیده در جشنواره امسال به منظور فرقراری ارتباط هرچه بیشتر با جامعه مخاطبان و عامه مردم از شبکه های مختلف تلویزیونی به نمایش درمی آید.**

■ **شاید کار گفته دبیر جشنواره بازار فیلم نیز در جشنواره راه اندازی شود فرصت مناسبی برای عرضه آثار به وجود بیاید. هر چند این بخش نیاز به بسترسازی مناسب دارد تا بتوان از آن به عنوان پشتوانه فیلم سازان جوان و دانشجو بهره برد.**

نسل سوم

nasle3@Kayhannews.ir

ماموریت جدید برای نسل سوم/اصلاح روش زندگی امروز برای فردای بهتر



قورباغه را دور بینداز!

رهبر انقلاب ، یکشنبه گذشته در دیدار جوانان استان خراسان شمالی با طرح سوالاتی در خصوص سبک زندگی ما در کشور و اشاره به ضعف تشریح سبک زندگی منطبق با اسلام و تمدن غنی ایرانی خواستار توجه بیشتر به این بخش از پیشرفت شدن و آن را متن پیشرفت خواندند:
«اگر پیشرفت همه جانبه را به معنای تمدن سازی نوین اسلامی بگیریم این تمدن دارای دو بخش ابزاری و – حقیقی و اساسی» خواهد بود که سبک زندگی بخش حقیقی آن را تشکیل می دهد .
«ایشان با اشاره به توجه عمیق اسلام به مفهوم سبک و فرهنگ زندگی افزودند: «در معارف اسلامی ، اصلاح عقل معاش در مفهوم جامع خود، مترادف مفهوم سبک و فرهنگ زندگی است و در قرآن کریم نیز آیات فراوانی در این زمینه وجود دارد . . . خودایشان هم مباحث مطرح شده را تنها یک آغاز برای بحث های کارشناسی و تبادل نظر دانستند؛ به عبارتی این چرخه اولی بود که رهبری روشن کردند و حالا باید باقی اصحاب نظر به ویژه تریون داره آن را پیگیری کنند؛ مانند رسانه ها . «تکرار» هم یک اصل مهم در امر جریان سازی رسانه ای است به صورتی که اگر اصول زندگی بهتر در رسانه های ما به طور پیوسته و با هدف هم افزایی تولید و تکرار شود، تأثیر خود را بر راحتی در زندگی مردم می گذارد. نسل سوم امروز کمی این مساله را باز کرده و معتقد است رسیدن ایران به قله تمدن یا شعار و سخنرانی و همایش و آمار میله ای محقق نمی شود، باید متن زندگی مردم و عنصر اولیه اجتماع یعنی «آدم ها» خود را واحدی برای تشکیل و نیل به تمدن نوین بدانند در غیر این صورت نمای بیرونی و درونی تمدنی ما به شدت با هم متناقض خواهد بود.

■ **همه گره های روزمره حمد و خوانبگی بعد بگویم سی پی شد؟ سبک زندگی، آیین و آداب بندی کرده؛ از آداب استراحت و کار و تفریح و مسافرت تا آداب خوردن و آشامیدن و پوشش و درختکاری و مردمداری و قرض دادن و معامله و تجارت…**

■ **قرار نیست انسان عاقل دین دار با ورد و جادو زندگی کند؛ این امتیاز(؟!) سبک زندگی غربی است که می خواهد برای پولدار شدن و یا آرامش داشتن در زندگی، «جمله» تحویل شما**

■ **بدهد و راه‌های زندگی آسوده و زیاده‌داری در دنیا و بر اساس آیات و روایات وارد در زیرترین نشون زندگی انسان نوشته شده، یکی از معبرهای راهگشا در اشاره رهبری است. «مفاتیح الحیات» یا کلیدهایی برای زندگی بهتر در دنیا را جلد دوم مفاتیح یا همان آداب زندگی بر اساس آیات قرآن و روایات معصومان (ع) می دانند که بی‌تردید بخش قابل ملاحظه‌ای از مطالبه رهبر**

■ **انقلاب در خصوص سبک زندگی را برطرف می کنند، کتابی که در ۴ بخش تدوین شده: «ارتباط انسان با خود، ارتباط انسان با دیگران، ارتباط انسان با طبیعت و ارتباط انسان**

■ **به نظر می رسد که در عمر بیش از سی سال انقلاب اسلامی ایران و با وجود همه سختی ها و فشارها، ایران اسلامی توانسته است ساختار و چهارچوب خوبی را برای پیشرفت خود بسازد. در زمینه سیاسی ما اکنون به ثبات و اقتدار سیاسی در داخل و اعتبار اثرگذار در عرصه بین الملل رسیده ایم. پروژه همهار ایران» که با وقوع بیداری اسلامی رنگ و بوی جدید یافته، حاکی از این امر دارد. در بررسی علم به استناد پایگاه استنادی اسکوپوس در سال ۲۰۱۲ میلادی، حائز رتبه نخست در منطقه و شانزدهم در دنیا هستیم. همچنین با توجه به ظرفیت های طبیعی، زیربنایی و انسانی و کشورمان، ابزار مناسبی را با توجه به ساخت و اسکلت محکم نظام در اختیار داریم. حال نوردد به طراحی و ساخت بنای مورد نظر است، اما چه بنایی و با چه معماری باید برای این اسکلت طراحی نمود؟ «آن چیزهایی است که متن زندگی ما را تشکیل می دهد؛ که همان سبک زندگی است.»**

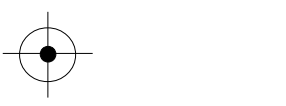
■ **اگر ما سبک زندگی را تنها بختی ذیل فرهنگ ندانیم و نقش آن را در تمدن سازی فهم کنیم، با توجه به ظرفیت های فوق به موقعیتی رسیده ایم که باید برای طراحی بنای تمدن خود برنامه ریزی کنیم. حال که باید راه نوینی را برای خود و همگان باز کنیم، آیا می توانیم از چگونه زندگی کردن مردم بگذریم و تنها به انتقال گفتمان ها و آرمان های خود بسنده کنیم؟ مردم برای معیشت و معاش خود نیز نیاز به الگو دارند.**

■ **ساموئل هانتینگتون در کتاب چالش های هویت در آمریکا» موفقیت نظام سیاسی آمریکا در هویت سازی علی رغم حضور افراط متعدد خارجی با رسم، اعتقادات و فرهنگ های متفاوت و بعضاً متضاد یا تمامی جهان خاکی و در یک کلمه «آمریکایی کردن» (Americanization) آنها می داند. به این معنا که ما با دیدن شما، مذهب شما، رنگ پوست و موی شما کاری نداریم؛ فقط آمریکایی زندگی کنید، حتی اگر مسلمان هستید. هانتینگتون معتقد است که یادوم جامعه ی آمریکا در پرتو فرآیند آمریکایی کردن ممکن می شود؛ با این استراتژی که در مدل مرکز-پیرامون یا شمال-جنوب و برای افزایش حداکثری عمق استراتژیک آمریکا باید وارد زندگی پیرامونی ها**

■ **...خداى من! خواندمت، پاسخم گفتم؛ از تو خواستم، عطايم كردى؛ به سوى تو آمدم، آغوش رحمت شگودى؛ به تو تكيه كردم، نجاتم دادى؛ به تو پناه آوردم، كفايتم كردى... خدايا! از خيمه گاه رحمتت بيرونمان نكن. از آستان مهرت نوميدمان مساز. آرزوها و انتظارهائيمان را به حرمان مكشنا. خداى من! اگر آنچه از تو خواسته ام، عنايت فرمايى، محروميت از غير از آن، زيان نداد و اگر عطا كننى هرچه عطا جز آن منفعت ندارد. خداى من! چگونه ممكن است به ورطه نوميدى بيفتم در حالى كه تو مهربان و صميمى و جويابى حال منى. خداى من! تو چقدر به من نزديكى با اين همه فراوانى كه من از تو گرفته ام...خدايى تو كى نبودى كه بودنت دليل بخواهد؟ تو كى غايب بوده اى كه حضورت نشانه بخواهد؟ تو كى پنهان بودى كه ظهورت محتاج آيه باشد؟ خداى من! امر از سيطره دلت باز نفس نجات بده و پيش از آنكه خاک گور، بر اندامم بنشيند از شك و شرک، رهائى ام بيش.**

■ **خدايا! من به گناهانم معتترف و مغرّم سو تو به كرمت از من در گذر...من همانم كه به نعمت و عنايت اعتراف دارم و باز به گناهان رجوع نمودم پس مغمرفم از آن گناهان... مرا ببخش اى خدايى كه گناهانم بندگانگ تو هج تو زيان نخواهد داشت . . .اى آنكه با كمال زيباى و نورانيت خویش، آنچنان تجلى كرده اى كه عظمتت بر تمامی ما سايه افكند...**

■ **فراوانی از دعای عرفه**



■ **اهمیت دارد؟ در کجای دنیا این ادبیات شهری زیبا بین مشتری و مغازه دار، مسافر و راننده، شاگرد و معلم و...وجود دارد؟ فرهنگ سیاستگزاری را ما از کجا وارد زندگی کرده ایم وقتی با صدای بلند «دست مبرزاد» وارد ثانوی می شویم و بعد سلام و احوال پرسی و دست آخر هم تشکر و خدا قوت...ما باید قورباغه ها را کنار بگیردیم و چمدان های قدیمی را باز کنیم؛ صدوقچه های ادب و متانت و زندگی را باز کنیم و دوباره پای حرف های مادر بزرگ و پدر بزرگ بنشینیم تا بفهمیم چرا آنها بدون این همه ابزار کمکی، از زندگی بیشتر لذت می بردند؟ کمتر بیمار و بدحال و افسرده بودند و عمر وهای طولانی با برکتی داشتند؟ باید دوباره به پیه هایمان پیاموریم که اگر در کوچه تکه نانی روی سنگفرش پیاده رو دید، بدون احساس، اشن را نشان بدهد و زشتی اش را عیان کند تا «ماشین» نماد افتخار و شان اجتماعی محسوب نشود!**

■ **ضمن اینکه بهتر است برنامه ریزی برای ترویج و تدوین محصولات آموزشی سبک زندگی را، از کودکی و خندسبک ها را بست. با برکتی از زندگی ما آغاز کنیم؛ فرزندان ما با زندگی آبرومندانه و بدور از تکبر و غرور آشنا شوند و طعم زندگی را با همه تلخ و شیرینش بیزنند.**

■ **الته که مراکز علمی و تفریحی دیگر از نوباشه استفاده نشود؛ به جای آن دوق و ماست و شیر سنگین تری دارن چرند که دایره ال تمیزی های همراه مصرفی جلوگیری شود مثل همین همراه اول و ایرانسل**

■ **مشتری نقشه کشیده اند و با هم مسابقه می دهند! اشکالی ندارد ابلاغ شود که فرهنگ صرفه جویی عاقلانه در تلویزیون تبلیغ شود، در حالی که مردم با هم مسابقه می دهند! اشکالی ندارد ابلاغ شود که فرهنگ سبک زندگی و مرچیت سبک خانواد های ایرانی رسم است که بقنابق غذا تهنه نداشته باشد و اگر غذای یک نفر اضافه داشت، آن را دور نمی یزنند...**

■ **اشکالی ندارد غیبت کردن و تهمت زدن و دروغ گفتن به جای اینکه ققط در سرایت های روزی روزگاری دو برادر در کنار هم زندگی می کردند. خانه آن ها در طبقه هشتم مجتمع مسکونی قرار داشت، روزی وقتی به خانه برگشتند، در کمال ناامیدی متوجه شدند که آسانسورهای مجتمع مسکونی از کار افتاده است و ناچارند از پله ها بالا بروند تا به طبقه هشتم برسند. بعد از رسیدن به طبقه بیستم، هر دو که به شدت خسته شده و به نفس زدن افتاده بودند، تصمیم گرفتند کیف های خود را همان جا رها کنند تا بارشان سبک شود و روز بعد آن ها برآیند.**

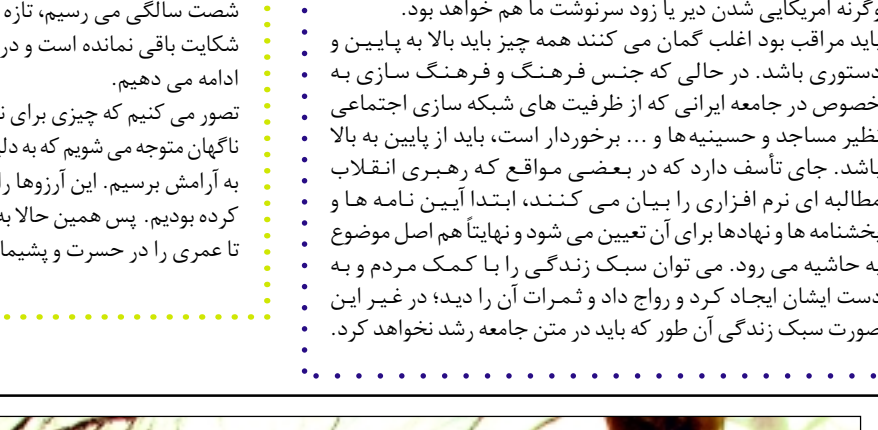
■ **کیف های شان را در همان طبقه رها کردند و از پله ها بالا رفتند. وقتی به طبقه چهلم رسیدند، به دلیل غر زدن برادر کوچک تر، دعوای شان شد. در حالی که با هم دعوا و مشاجره می کردند، از پلکان بالا رفتند تا به طبقه شصتم رسیدند. وقتی دیدند تنها بیست طبقه دیگر مانده دست از مشاجره برداشتند و در آرامش به راه خود ادامه دادند.**

■ **سرانجام به طبقه هشتم رسیدند. هردو منتظر بودند تا دیگری در را باز کند، اما یادشان آمد که دسته کلید را داخل کیف در طبقه بیستم جا گذاشته اند. این داستان زندگی ماست. بسیاری از ما در جوانی مطابق توقعات و انتظارات والدین و آموزگاران و دوستان خود زندگی می کنیم. به ندرت فرصتی پیدا می کنیم برای انجام کارهایی که دوستشان داریم. تا بیست سالگی آنچنان تحت تاثیر استرس قرار داریم که خسته می شویم و تصمیم می گیریم این بار سنگین را رها کنیم. بعد از رهایی از استرس به صورت خودانگیخته مشغول به تلاش می شویم و آرزوهای بلند پروازانه و جاه طلبانه در ذهن می پرورانیم. وقتی به چهل سالگی می رسیم، امیدها و آرزوهای خود را کم کم از دست می دهیم. دچار احساس نارضایتی می شویم و انتقاد را آغاز می کنیم. طوری با درماندگی به زندگی ادامه می دهیم که هرگز احساس رضایت و خرسندی را تجربه نمی کنیم. وقتی به شصت سالگی می رسیم، تازه متوجه می شویم که فرصتی برای شکایت باقی نمانده است و در آرامش و سکوت به زندگی خود ادامه می دهیم.**

■ **تصور می کنیم که چیزی برای ناامید کردن مان نمانده است. اما ناگهان متوجه می شویم که به دلیل آرزوهای محقق نشده، نمی توانیم به آرامش برسیم. این آرزوها را شصت سال قبل به حال خود رها کرده بودیم. پس همین حالا به دنبال رویاهای آرزوهای خود بروید تا عمری را در حسرت و پشیمانی سپری نکنید.**

■ **فهیمة ارزنکی**

بوی بارون



■ **با یاد چشم های تو خوب است خواب من از ابرها کنار بگیر آفتاب من رو بر کدام قلیله به چشم تو می رسم؟ چیزی بگو پیامبری بی کتاب من چشم تو را کجای جهان جست وجو کنم؟ پایان بده به تاب و تب بی حساب من**

■ **دور از شمالیل تو چنانم که روز و شب خندیده اند خلقی به حال خواب من از تشنگی هلاک شدم، ساقیابیا چیزی نمانده از قدح بر شراب من ناصر حامدی**

صفحه ۱۰

شنبه ۲۲آبان ۱۳۹۱

۷ ذیحجه ۱۴۳۳ – شماره ۲۰۳۳۹

■ **طنز برای خاندانن دیده شود در باقی مجموعه ها نیز دیده شود و مورد نکوهش قرار بگیرد. برای مصرف برق و گاز، تذکر می دهیم برای اخلاق نیازی نیست؟ هیچ اشکالی ندارد وقتی با صدای بلند «دست مبرزاد» وارد ثانوی می شویم و بعد سلام و احوال پرسی و دست آخر هم تشکر و خدا قوت...ما باید قورباغه ها را کنار بگیردیم و چمدان های قدیمی را باز کنیم؛ صدوقچه های ادب و متانت و زندگی را باز کنیم و دوباره پای حرف های مادر بزرگ و پدر بزرگ بنشینیم تا بفهمیم چرا آنها بدون این همه ابزار کمکی، از زندگی بیشتر لذت می بردند؟ کمتر بیمار و بدحال و افسرده بودند و عمر وهای طولانی با برکتی داشتند؟ باید دوباره به پیه هایمان پیاموریم که اگر در کوچه تکه نانی روی سنگفرش پیاده رو دید، بدون احساس، اشن را نشان بدهد و زشتی اش را عیان کند تا «ماشین» نماد افتخار و شان اجتماعی محسوب نشود!**

■ **ضمن اینکه بهتر است برنامه ریزی برای ترویج و تدوین محصولات آموزشی سبک زندگی را، از کودکی و خندسبک ها را بست. با برکتی از زندگی ما آغاز کنیم؛ فرزندان ما با زندگی آبرومندانه و بدور از تکبر و غرور آشنا شوند و طعم زندگی را با همه تلخ و شیرینش بیزنند.**

■ **الته که مراکز علمی و تفریحی دیگر از نوباشه استفاده نشود؛ به جای آن دوق و ماست و شیر سنگین تری دارن چرند که دایره ال تمیزی های همراه مصرفی جلوگیری شود مثل همین همراه اول و ایرانسل**

■ **مشتری نقشه کشیده اند و با هم مسابقه می دهند! اشکالی ندارد ابلاغ شود که فرهنگ صرفه جویی عاقلانه در تلویزیون تبلیغ شود، در حالی که مردم با هم مسابقه می دهند! اشکالی ندارد ابلاغ شود که فرهنگ سبک زندگی و مرچیت سبک خانواد های ایرانی رسم است که بقنابق غذا تهنه نداشته باشد و اگر غذای یک نفر اضافه داشت، آن را دور نمی یزنند...**

■ **اشکالی ندارد غیبت کردن و تهمت زدن و دروغ گفتن به جای اینکه ققط در سرایت های روزی روزگاری دو برادر در کنار هم زندگی می کردند. خانه آن ها در طبقه هشتم مجتمع مسکونی قرار داشت، روزی وقتی به خانه برگشتند، در کمال ناامیدی متوجه شدند که آسانسورهای مجتمع مسکونی از کار افتاده است و ناچارند از پله ها بالا بروند تا به طبقه هشتم برسند. بعد از رسیدن به طبقه بیستم، هر دو که به شدت خسته شده و به نفس زن افتاده بودند، تصمیم گرفتند کیف های خود را همان جا رها کنند تا بارشان سبک شود و روز بعد آن ها برآیند.**

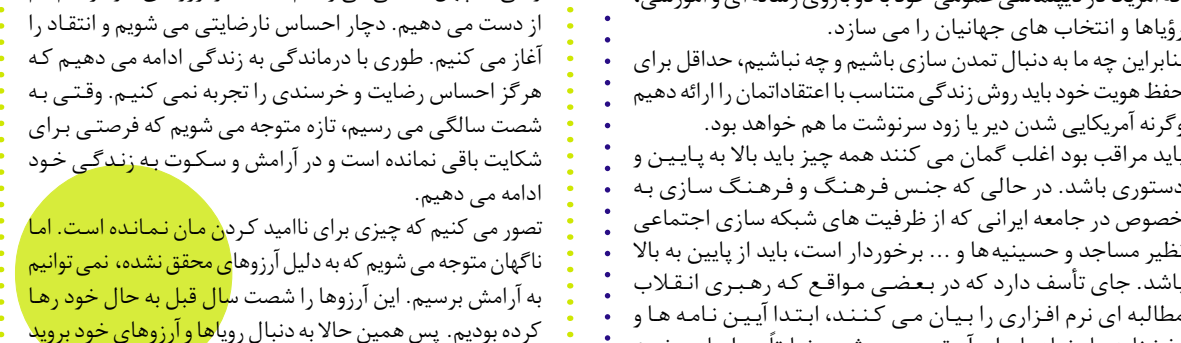
■ **کیف های شان را در همان طبقه رها کردند و از پله ها بالا رفتند. وقتی به طبقه چهلم رسیدند، به دلیل غر زدن برادر کوچک تر، دعوای شان شد. در حالی که با هم دعوا و مشاجره می کردند، از پلکان بالا رفتند تا به طبقه شصتم رسیدند. وقتی دیدند تنها بیست طبقه دیگر مانده دست از مشاجره برداشتند و در آرامش به راه خود ادامه دادند.**

■ **سرانجام به طبقه هشتم رسیدند. هردو منتظر بودند تا دیگری در را باز کند، اما یادشان آمد که دسته کلید را داخل کیف در طبقه بیستم جا گذاشته اند. این داستان زندگی ماست. بسیاری از ما در جوانی مطابق توقعات و انتظارات والدین و آموزگاران و دوستان خود زندگی می کنیم. به ندرت فرصتی پیدا می کنیم برای انجام کارهایی که دوستشان داریم. تا بیست سالگی آنچنان تحت تاثیر استرس قرار داریم که خسته می شویم و تصمیم می گیریم این بار سنگین را رها کنیم. بعد از رهایی از استرس به صورت خودانگیخته مشغول به تلاش می شویم و آرزوهای بلند پروازانه و جاه طلبانه در ذهن می پرورانیم. وقتی به چهل سالگی می رسیم، امیدها و آرزوهای خود را کم کم از دست می دهیم. دچار احساس نارضایتی می شویم و انتقاد را آغاز می کنیم. طوری با درماندگی به زندگی ادامه می دهیم که هرگز احساس رضایت و خرسندی را تجربه نمی کنیم. وقتی به شصت سالگی می رسیم، تازه متوجه می شویم که فرصتی برای شکایت باقی نمانده است و در آرامش و سکوت به زندگی خود ادامه می دهیم.**

■ **تصور می کنیم که چیزی برای ناامید کردن مان نمانده است. اما ناگهان متوجه می شویم که به دلیل آرزوهای محقق نشده، نمی توانیم به آرامش برسیم. این آرزوها را شصت سال قبل به حال خود رها کرده بودیم. پس همین حالا به دنبال رویاهای آرزوهای خود بروید تا عمری را در حسرت و پشیمانی سپری نکنید.**

■ **فهیمة ارزنکی**

بوی بارون



■ **با یاد چشم های تو خوب است خواب من از ابرها کنار بگیر آفتاب من رو بر کدام قلیله به چشم تو می رسم؟ چیزی بگو پیامبری بی کتاب من چشم تو را کجای جهان جست وجو کنم؟ پایان بده به تاب و تب بی حساب من**

■ **دور از شمالیل تو چنانم که روز و شب خندیده اند خلقی به حال خواب من از تشنگی هلاک شدم، ساقیابیا چیزی نمانده از قدح بر شراب من ناصر حامدی**